

واکاوی علل ناکامی معامله قرن در ایجاد صلح

احسان اعجازی^۱، مهدی لکزی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

چکیده

دولت ترامپ وعده داده است تا با اجرای معامله قرن به منازعه فلسطین اسرائیل در منطقه خاورمیانه پایان دهد. با توجه به عدم استقبال از این طرح، نه تنها از سوی فلسطینی‌ها، بلکه کشورهای متحد آمریکا، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: تا چه اندازه اجرای احتمالی طرح سازش معامله قرن می‌تواند به موفقیت انجامد؟ بر اساس شواهد موجود، فرضیه این پژوهش چنین است: به نظر می‌رسد به دلیل عدم توجه به ریشه‌های واقعی منازعه، یک‌جانبه بودن طرح، توجه خاص به منافع اسرائیل، نادیده انگاری حقوق فلسطینی‌ها، تدوین طرح بدون مذاکره با طرف فلسطینی، عدم توانایی ایالات‌متحده برای اجرای برخی از مفاد طرح، مخالفت کشورهای عضو اتحادیه عرب و اتحادیه اروپا، این طرح قابلیت اجرایی نداشته باشد و در صورت اجرا شدن برخی از مفاد آن به صورت یک‌جانبه تنها به تنش‌ها در خاورمیانه دامن بزند. نویسندگان برای واکاوی احتمال موفقیت این طرح با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی از مدل بهینه «حل منازعات سرزمینی» بهره گرفته‌اند. در نهایت نویسندگان نتیجه می‌گیرند که برای دستیابی به صلح در خاورمیانه، باید به طرح جایگزینی اندیشید که تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه شاکله اصلی آن را تشکیل دهد.

واژگان کلیدی: منازعه فلسطین اسرائیل، خاورمیانه، حل و فصل منازعه، معامله قرن، کشورهای عربی

^۱. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، پژوهشگر مهمان مرکز مطالعات خاورمیانه، گیلان، ایران (نویسنده مسئول)

EHSANEJAZI95@GMAIL.COM

^۲. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایرا، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، پژوهشگر مهمان مرکز مطالعات خاورمیانه، تهران، ایران

۱- مقدمه

حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید، منازعه اعراب و فلسطین را که در اواخر دوره ریاست جمهوری اواما در حاشیه سیاست خارجی ایالات متحده قرار داشت، وارد مرحله جدیدی نمود. با توجه به دوستی عمیق بین کابینه «بنیامین نتانیاهو» و «دونالد ترامپ»، دور از انتظار نبود که دولت ایالات متحده سیاستی را قبال این منازعه در پیش بگیرد که بیش از پیش در جهت منافع رژیم صهیونیستی قرار داشته باشد. طرح «معامله قرن» را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد چرا که مفاد آن نشان می‌دهد که ایالات متحده در طرح خود تنها منافع حیاتی اسرائیل را در نظر گرفته است و از فلسطینی‌ها می‌خواهد که با دریافت پول از حقوق خود چشم‌پوشی کنند. بر اساس این طرح بخش‌هایی دیگر از فلسطین شامل نیمی از کرانه باختری و بخشی از بیت‌المقدس شرقی که از نظر جامعه جهانی به دولت فلسطین تعلق دارد به اسرائیل واگذار می‌شود و در عوض اسرائیل با تشکیل کشور مستقل فلسطینی در نیمه دیگر کرانه باختری و تمام نوار غزه و تنها چند محله از بیت‌المقدس شرقی موافقت می‌کند. بر اساس این طرح شهر ابودیس به جای بیت‌المقدس به عنوان پایتخت فلسطین در نظر گرفته خواهد شد. همچنین فلسطینیان باید از حق بازگشت به سرزمین خود که طبق قطعنامه ۱۹۴ شورای امنیت به رسمیت شناخت شده، صرف‌نظر کنند. یک‌جانبه‌گرایی این طرح سبب شده تا اجرای موفقیت‌آمیز آن با تردیدهای فراوانی روبرو شود.

دولت دونالد ترامپ در ۲۸ ژانویه ۲۰۲۰ به‌طور رسمی از طرح «صلح خاورمیانه» خود رونمایی کرد با این امید که ایالات متحده بتواند به یکی از طولانی‌ترین منازعات منطقه‌ای در دوران معاصر پایان بدهد. دولت او از این طرح با عنوان «معامله قرن» یاد می‌کنند. در این طرح ۱۸۱ صفحه‌ای ۲۷۹ بار از اسرائیل و ۲۰۱ بار از فلسطین نام برده شده است. همچنین کشورهای اردن، آمریکا، مصر، لبنان و ایران از جمله کشورهایی هستند که نام آن‌ها بیش از کشورهای دیگر در این طرح ذکر شده است (Aljazeera, 2020). بندهای مهم این طرح به شرح زیر است: ۱. الحاق ۲۰ درصد از سرزمین کرانه باختری و رود اردن به اسرائیل و در عوض اعطای مناطقی از صحرای «القب» به فلسطینی‌ها که به کشور فلسطین الحاق خواهد شد. ۲. با این وجود اسرائیل کنترل همه مرزها را در اختیار خواهد داشت. ۳. ابودیس (شهرکی که تنها ۴ کیلومتر مربع مساحت دارد) به عنوان پایتخت کشور مستقل فلسطینی تعیین خواهد شد. به ادعای ترامپ، بیت‌المقدس به عنوان پایتخت یکپارچه اسرائیل باقی می‌ماند، ۳. حماس باید خلع سلاح شده و نوار غزه به منطقه‌ای عاری از تسلیحات تبدیل شود، ۴. فلسطینی‌ها باید اسرائیل را به عنوان کشوری «یهودی» به رسمیت بشناسند، ۵. اسرائیل شهرک‌های صهیونیست نشین را در کرانه باختری حفظ می‌کند، ۶. مسئله آوارگان فلسطینی باید خارج از سرزمین‌های اشغالی حل و فصل شود، ۷. بلافاصله پس از حل و فصل مسئله آوارگان، آن‌ها می‌توانند به کشور مستقل فلسطینی بازگردند. ۸. یک تونل کرانه باختری را به نوار غزه متصل کند. همچنین فلسطینی‌ها برای تجارت به دو بندر اشدود و حيفا دسترسی خواهند داشت. برای زیبایی بخشی به این طرح، آمریکایی‌ها وعده ساخت یک منطقه صنعتی تولیدی پیشرفته و یک منطقه کشاورزی و مسکونی در صحرای نقب در کنار مرز بین اسرائیل و مصر را به فلسطینی‌ها داده‌اند. علاوه بر این، ساخت بزرگراه و پل در کرانه باختری برای اتصال مناطق تحت کنترل فلسطینی‌ها در نظر گرفته شده است، ۹. فلسطینی‌ها فقط می‌توانند یک دولت غیرنظامی تشکیل

بدهند که تقریباً حق هیچ‌گونه انعقاد پیمان نظامی را ندارد. البته تأسیس همین دولت فلسطینی مشروط به خلع سلاح حماس، پایان بخشیدن به خشونت و شناسایی اسرائیل به‌عنوان «دولت ملی یهودیان» است، ۱۰. برای اجرای این طرح حدود ۵۰ میلیارد دلار هزینه خواهد شد. بر این اساس ایالات متحده در نظر دارد این مبلغ را در طول ده سال در کشورهای مختلف سرمایه‌گذاری کند: ۲۸ میلیارد دلار در سرزمین فلسطین شامل نوار غزه و کرانه باختری تحت اشغال و مبلغ باقی مانده در میان اردن (۷ میلیارد دلار)، مصر (۹ میلیارد دلار) و لبنان (۶ میلیارد دلار) تقسیم خواهد شد (White House, 2020). طبق برآورد آمریکایی‌ها، کشورهای حاشیه خلیج فارس و بخش خصوصی عهده‌دار پرداخت این هزینه می‌شوند به‌گونه‌ای که آن‌ها در ۱۷۹ پروژه زیرساخت و بازرگانی مشارکت خواهند کرد. بر اساس یکی از این طرح‌ها قرار است که یک کریدور بین نوار غزه و کرانه باختری با هزینه پنج میلیارد دلار ساخته شود. همان‌طور که مفاد این طرح نشان می‌دهد این ابتکار بسیار آرمانی است و تنها در جهات منافع اسرائیل تدوین شده است و در آن حقوق اساسی فلسطینی‌ها نادیده گرفته شده است (Aljazeera, 2019 (A)).

به‌منظور واکاوی جزئیات این طرح و احتمال موفقیت آن، این پژوهش به این پرسش اصلی می‌پردازد که تا چه اندازه اجرای احتمالی طرح سازش معامله قرن می‌تواند با موفقیت همراه باشد؟ به نظر می‌رسد به دلیل عدم توجه به ریشه‌های واقعی منازعه، یک‌جانبه بودن طرح، تأمین منافع اسرائیل، نادیده انگاری حقوق فلسطینی‌ها، تدوین طرح بدون مذاکره با طرف فلسطینی، عدم توانایی آمریکا برای اجرای برخی از مفاد طرح، مخالفت کشورهای عضو اتحادیه عرب و اتحادیه اروپا، این طرح قابلیت اجرایی نداشته باشد و در صورت اجرای یک‌جانبه آن تنها به تنش‌ها در خاورمیانه دامن بزند. با توجه به اینکه تحولات اخیر فلسطین و اسرائیل در این مقاله بررسی شده‌اند، علاوه بر منابع کتابخانه‌ای، به منابع اینترنتی نیز رجوع شده و داده‌های جمع‌آوری شده با روش تحلیلی و توصیفی، در راستای تبیین طرح «معامله قرن» به کار گرفته شده‌اند.

۲- پیشینه پژوهش

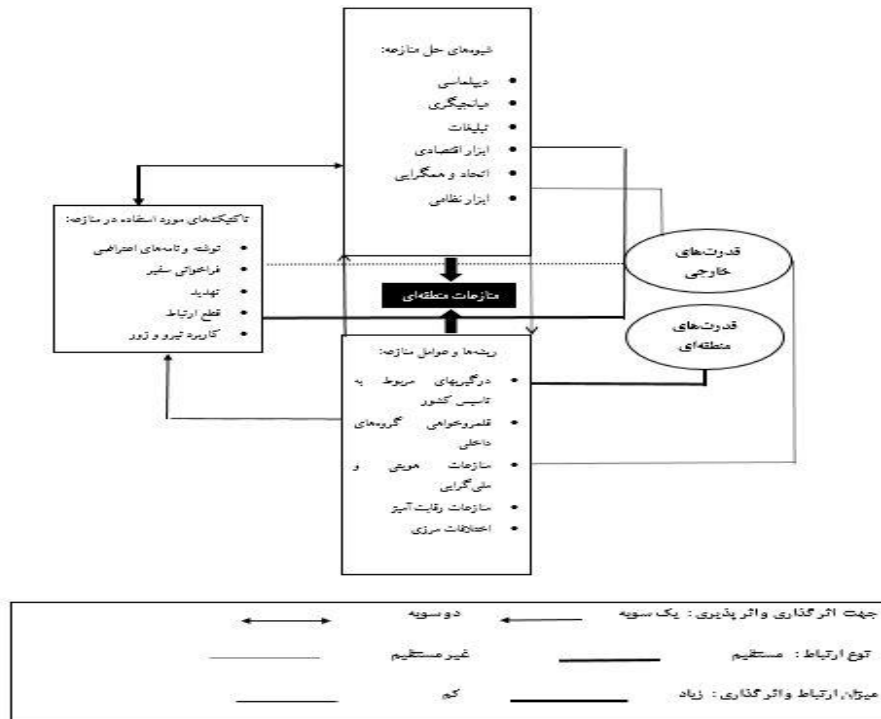
باوجودی که درباره صلح و طرح‌های پیشنهادی آن بحث‌های فراوانی صورت گرفته و آثار گوناگونی انتشار یافته است، اثر جامعی که دربرگیرنده همه طرح‌های صلح باشد، کمتر ارائه شده است. مقاله «تشریح محورهای منازعه بین فلسطین و اسرائیل» (جودکی و همکاران: ۱۳۹۷) به بررسی محورهای نزاع و علل عدم صلح میان فلسطین و اسرائیل می‌پردازد. از منظر این مقاله، مسئله تصاحب بیت‌المقدس، مرزهای طرفین، منابع آبی و مسئله آوارگان فلسطینی محورهای اساسی نزاع فلسطین و اسرائیل است. مقاله «چشم‌انداز صلح خاورمیانه و تحولات اخیر در اسرائیل و فلسطین» (دهقانی، ۱۳۸۵) با بررسی تحولات اسرائیل و فلسطین در پی بررسی چشم‌انداز صلح خاورمیانه است. نویسنده معتقد است جامعه فلسطینی در نهایت راه‌حل دو دولت و تشکیل دولت مستقل فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی غزه و کرانه باختری را خواهد پذیرفت. مقاله «طرح‌های صلح خاورمیانه، ماهیت، اهداف و فرجام» (احمدی، ۱۳۸۹) با تمرکز بر ماهیت پیشنهادها و طرح‌های صلحی که ارائه شده، نتیجه می‌گیرد ایجاد کشور مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل با بیشترین توجه و اقبال مواجه شده

است، هرچند سیاست‌های اسرائیل موجب می‌شود که این طرح نیز فلسطینی امن و مستقل را برای فلسطینی‌های به ارمغان نیاورد. با وجود تازگی طرح معامله قرن، آثار پژوهشی در حوزه منازعه فلسطین-اسرائیل منتشر شده است که در آن به طرح معامله قرن نیز پرداخته شده است. «آیفر اردوغان» و «لوردس هبش» در مقاله‌ای با عنوان «سیاست ایالات متحده در قبال منازعه فلسطین-اسرائیل در دولت ترامپ: استمرار یا تغییر» با انتقاد از طرح معامله قرن، بر این مسئله تأکید می‌کنند که بر اساس این طرح اسرائیل اجازه می‌یابد تا ۹۷ درصد شهرک‌های خود در کرانه باختری را به خاک خود ضمیمه کند و در واقع به هیچ‌عنوان از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ عقب‌نشینی نخواهد کرد (Erdogan & Habash, 2020: 137). همچنین «داگلاس فیث و لوئیس لیبی» در مقاله‌ای با عنوان «چگونه طرح ترامپ صلح را محقق می‌کند» با وجود تحسین برخی از مفاد این طرح به این مسئله اذعان می‌کنند که معامله قرن صلح در منطقه را تضمین نمی‌کند (Feith & Libby, 2020: 14).

۳- چارچوب نظری

امروزه اکثر منازعات، کشمکش‌های مرکبی هستند که در سطح محلی، ملی و بین‌المللی به وقوع می‌پیوندند و به همین دلیل حل و فصل آن‌ها به شدت دشوار شده است (مجتهد زاده و ربیعی، ۱۳۸۸: ۱۶). برای حل منازعات سه شیوه کلی پیشنهاد شده است. هدف همه این شیوه‌ها «فرآیندهای حل و فصل منازعه است که برای گروه‌های درگیر قابل پذیرش و در حل منازعه مؤثر باشد» (Azar & Burton: 1986: 1). این سه شیوه عبارت‌اند از: ۱. مدیریت منازعه؛ ۲. تغییر شکل منازعه؛ ۳. حل و فصل منازعه. در مدیریت منازعه، به منازعه به صورت مثبت پرداخته می‌شود و می‌توان آن را به حل و فصل و محدودسازی منازعات خشونت‌آمیز تعبیر کرد. نظریه پردازان مدیریت منازعه استدلال می‌کنند که بسیاری از منازعات خشونت‌آمیز معاصر را نمی‌توان به طور کامل و برای همیشه حل و فصل کرد، چرا که آن‌ها نتیجه اختلاف ارزش‌ها و منافع درون یا بین جوامع هستند و همواره بازتولید شده و دائماً وجود دارند، به‌ویژه آن‌که این اختلاف‌ها منجر به تأسیس نهادهای اجتماعی و توزیع قدرت از یکسو و ایجاد حافظه تاریخی و علایق مشترک، از سوی دیگر می‌شود. بنابراین حل چنین منازعاتی غیرواقع‌بینانه بوده و بهترین کار مدیریت و محدود کردن آن‌هاست. در تغییر شکل منازعه تلاش می‌شود تا در روابط، گفت‌وگو و وضعیت خاص جامعه که منجر به استمرار منازعه شده‌اند، تغییر و تحول ایجاد شود. نهایتاً در حل و فصل منازعه، باید به گروه‌های در حال منازعه در کشف، تحلیل، زیر سؤال بردن و ساختار بندی مجدد موقعیت‌ها و منافعشان کمک کرد. حل منازعه به مداخله گروه‌های سوم خبره ولی فاقد قدرتی که به صورت غیررسمی برای تقویت تفکر نو و روابط جدید کار می‌کنند، بستگی دارد (ربیعی و جان‌پرور، ۱۳۹۰: ۶۸-۷۰). در این پژوهش برای بررسی دقیق «معامله قرن» و احتمال موفقیت آن از مدل بهینه «حل منازعات سرزمینی» بهره گرفته می‌شود. مفروضات این مدل به شرح زیر است:

- ۱- شدت و ضعف عوامل و ریشه‌های منازعات سرزمینی در طول زمان متغیر و متفاوت است؛
- ۲- قدرت‌های خارجی در شدت و ضعف عوامل اثرگذار نقشی غیرمستقیم ایفا می‌کنند؛ اما قدرت‌های منطقه‌ای، به دلیل نزدیکی جغرافیایی، از نفوذ و تأثیرگذاری بیشتری بر منازعات منطقه‌ای برخوردارند؛
- ۳- در حل یک منازعه ضمن آن‌که انتخاب تاکتیک‌های گوناگون حل منازعه با ریشه منازعه رابطه مستقیمی دارد، اما اثر آن بر ریشه منازعه غیرمستقیم و اندک است؛
- ۴- قدرت‌های خارجی، به دلیل فاصله جغرافیایی، برای حل منازعه بین کاربرد نیروی نظامی و غیرنظامی تفاوتی قائل نمی‌شوند، اما قدرت‌های منطقه‌ای، به دلیل تأثیرپذیری مستقیم آن‌ها از منازعه، در بیشتر موارد ترجیح می‌دهند از تاکتیک‌های غیرنظامی استفاده کنند؛
- ۵- شیوه‌های حل و فصل منازعه و تاکتیک‌های حل و فصل منازعه بر یکدیگر تأثیر دوسویه و مستقیم دارند؛
- ۶- ریشه و عوامل منازعه بر شیوه‌های حل و فصل منازعه و تاکتیک‌های حل و فصل منازعه تأثیر مستقیم و یک‌سویه دارد، اما شیوه‌های حل و فصل منازعه بر ریشه و عوامل منازعه تأثیری غیرمستقیم دارد؛
- ۷- قدرت‌های خارجی و منطقه‌ای در یک منازعه منطقه‌آفرینی یکسانی ندارند. تأثیر قدرت‌های خارجی بر ریشه و عوامل منازعه، شیوه‌های حل و فصل منازعه و تاکتیک‌های حل و فصل منازعه غیرمستقیم است اما قدرت‌های منطقه‌ای با موارد فوق رابطه‌ای مستقیم و تأثیرگذار دارد (مجتهد زاده و ربیعی، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۷).



شکل شماره ۱. مدل بهینه حل و فصل منازعات سرزمینی (منبع: مجتهد زاده و ربیعی، ۱۳۸۸: ۲۶)

۴- عوامل منازعه فلسطین و اسرائیل

فارغ از نقش ایدئولوژی صهیونیسم و قدرت‌های خارجی نظیر بریتانیا و فرانسه و بعدها ایالات متحده در تأسیس دولت اسرائیل، می‌توان گفت که شش عامل در تشدید منازعه بین فلسطین و اسرائیل نقش دارند: ۱. مسئله مرزها و اختلاف سرزمینی، ۲. مسئله آوارگان فلسطینی، ۳. سرنوشت بیت‌المقدس، ۴. امنیت، ۵. شهرک‌های صهیونیستی در کرانه باختری و ۶. آب (سیمبر و اعجازی، ۱۳۹۴: ۱۰).

از سال ۱۹۴۸ که دولت نامشروع اسرائیل شکل گرفت، همواره مسئله سرزمین یکی از وجوه اختلاف صهیونیست‌ها با کشورهای عربی، به‌طور خاص فلسطینی‌ها، بوده است. بعد از جنگ ۱۹۶۷ که اسرائیلی‌ها، کرانه باختری، صحرای سینا، نوار غزه، بلندی‌های جولان و بیت‌المقدس را به اشغال خود درآوردند (Oren, 2002: 308)، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۲۴۲ و پس از جنگ ۱۹۷۳ قطعنامه ۳۳۸ را صادر کرد و در آن‌ها از اسرائیل خواست تا از سرزمین‌های اشغالی عقب‌نشینی کرده و به مرزهای پیش از جنگ شش‌روزه بازگردد (The Ruet Institute, 2011). کشورهای عربی و تشکیلات خودگردان فلسطین برای صلح با اسرائیل همواره به پذیرش این دو قطعنامه از سوی اسرائیل استناد کرده‌اند. به‌طور مثال، در نشست اتحادیه عرب در بیروت در ۲۷ و ۲۸ مارس ۲۰۰۲ «ابتکار صلح عربی» که بر اساس طرح «ملک عبدالله» پادشاه سعودی شکل گرفته بود، تصویب شد. در این طرح بازگشت اسرائیل به مرزهای ۱۹۶۷ یکی از شروط مهم کشورهای عربی برای پذیرش صلح با اسرائیل بود (Podeh, 2014: 584). علاوه بر مرزها، مسئله آوارگان فلسطینی یکی از دغدغه‌های همیشگی فلسطینی‌ها بوده است. آوارگان فلسطینی در کشورهای اردن، لبنان، سوریه، نوار غزه، کرانه باختری شامل بیت‌المقدس شرقی ساکن هستند (UNRWA, 2020).

زمانی که ترامپ بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت و دستور داد که سفارت ایالات متحده از تل‌آویو به بیت‌المقدس منتقل شود (The New York Times, 2017). تردیدها نسبت به حل مسئله بیت‌المقدس بیشتر شد. تأمین امنیت در کرانه باختری همواره جزء مسائل مهم مذاکرات صلح خاورمیانه بوده است. پس از معاهدات اسلو که بین سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و اسرائیل در سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ امضا شد کرانه باختری به سه منطقه A، B و C تقسیم شد. تشکیلات خودگردان کنترل تقریباً کامل منطقه A (شامل امنیت داخلی) که ۱۸ درصد کرانه باختری را در برمی‌گیرد، در اختیار دارد. در منطقه B که ۲۱ درصد کرانه باختری را در برمی‌گیرد، تشکیلات خودگردان مسائل آموزشی، درمانی و اقتصادی را اداره می‌کند، اما مسائل امنیتی به‌طور کامل در اختیار اسرائیل قرار دارد. در منطقه A و B مسائل امنیت خارجی در حیطه اختیارات اسرائیل است. در این دو منطقه حدود ۲/۸ میلیون فلسطینی در شهرهای الخلیل، رام‌الله، بیت لحم و نابلوس زندگی می‌کنند. برخلاف این مناطق، اسرائیل کنترل کامل منطقه C را که ۶۰ درصد کرانه باختری را تشکیل می‌دهد، در اختیار دارد (Aljazeera, 2019 (A)). در نهایت مسئله شهرک‌های صهیونیستی در منطقه C کرانه باختری به یک معضل جدی در خاورمیانه تبدیل شده است. از سال ۱۹۶۷ تا سال ۲۰۱۷، بیش از ۲۰۰ شهرک صهیونیستی در کرانه باختری تأسیس شده است که ۱۳۱ شهرک توسط وزارت کشور اسرائیل به رسمیت شناخته شده است.

همچنین حدود ۶۲۹ هزار صهیونیست در این شهرک‌ها ساکن هستند. حدود ۱۱۰ شهرک بدون مجوز رسمی ساخته شده‌اند اما بدون تردید از حمایت مالی، سیاسی و امنیتی رژیم اسرائیل برخوردار بوده‌اند. بدیهی است که وجود این شهرک‌ها تأثیر مخربی بر وضعیت فلسطینی‌های ساکن کرانه باختری داشته و دارد (B'Tselem, 2019). همچنین به گزارش سازمان بین‌المللی عفو بین‌الملل، رژیم اسرائیل به مدت ۵۰ سال است دسترسی فلسطینی‌ها به آب در کرانه باختری و نوار غزه را به شدت محدود کرده است (Amnesty International, November 29, 2017).

در همین راستا، اسرائیل در سه ماه نخست سال ۲۰۱۹، ۱۳۶ زیرساخت مرتبط با آب را در کرانه باختری تخریب کرده است. چنین سیاست‌های ضد انسانی سبب شده است تا تنها ۵۰/۹ درصد فلسطینی‌های کرانه باختری و تنها ۳۰ درصد ساکنان غزه به آب دسترسی داشته باشند. البته در مورد غزه باید گفت که در زمان جنگ دسترسی همه آن‌ها به آب تقریباً ناممکن می‌شود. علاوه بر این ۹۰ الی ۹۵ درصد آب در غزه آلوده و برای آشامیدن و آبیاری نامناسب است (Atlantic Council, 2019) همه این شش مورد نشان می‌دهد که ریشه‌های منازعه بین فلسطین و اسرائیل عمیق‌تر از آن است که بتوان با طرح‌های یک‌جانبه به آن پایان داد.

با این وجود طرح معامله قرن دارای ویژگی‌های مطلوبی برای اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها است. این طرح از وجود دولت حمایت می‌کند که می‌تواند مورد رضایت ملی‌گرایان فلسطینی قرار بگیرد و این فرصت را برای اسرائیل فراهم می‌آورد تا دموکراتیک و یهودی باقی بماند. همچنین این طرح سبب کاهش نگرانی‌های امنیتی اسرائیل می‌شود. علاوه بر این، طبق این طرح یک میلیون آواره فلسطینی می‌توانند در دولت فلسطین ساکن شوند و شهرک‌های بزرگی که صدها هزار اسرائیلی در آن سکونت دارند، به عنوان بخشی از اسرائیل محسوب خواهند شد (Hass, 2020). همچنین در این طرح ۵۰ میلیارد مشوق مالی در نظر گرفته شده است تا صرف توسعه اقتصادی فلسطین بشود به شرطی که رهبران فلسطینی اصلاحات لازم را انجام دهند و با شرایط طرح معامله قرن موافقت کنند. هرچند این ایده جدید نیست اما رقم پیشنهادی بسیار قابل توجه است (Feith & Libby, 2020: 12). در همین راستا، طرح معامله قرن به دنبال آن است که با اعمال تعرفه‌های پایین، موانع تجاری در برابر فلسطینی‌ها را رفع کرده و با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به بخش خصوصی اجازه رشد و فعالیت دهد تا فلسطینی‌ها بتوانند به بحران بیکاری در سرزمین فلسطین پایان دهند. همچنین نوار غزه و کرانه باختری از طریق یک تونل به یکدیگر متصل شده که می‌تواند مزایای اقتصادی و اجتماعی فراوانی برای فلسطینی‌ها داشته باشد. در نهایت بر اساس معامله قرن فلسطینی‌ها اجازه خواهد یافت که بندری تجاری برای تعاملات بازرگانی خارجی داشته باشند (Erdogan & Habash, 2020: 137).

۵- شیوه‌های حل و فصل منازعه فلسطین و اسرائیل

از پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ تا به امروز طرفین درگیر در منازعه فلسطین و اسرائیل شیوه‌های متعدد حل و فصل منازعه از جمله «میانجیگری^۱»، «مذاکره^۲»، «حکمت^۳» و «مصالحه^۴» را به کار گرفته‌اند تا بتوانند صلح را در این منطقه برقرار سازند. با استفاده از همین شیوه‌ها ساف و تشکیلات خودگردان از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱، شش توافق‌نامه با اسرائیل امضا کرده‌اند تا بلکه بتوانند سازش نهایی بین فلسطین و اسرائیل را به سرانجام برسانند.

با این وجود هیچ‌کدام از مذاکرات از جمله پیمان کمپ دیوید (۱۹۷۹)، کنفرانس مادرید (۱۹۹۱)، پیمان‌های اسلو یک (۱۹۹۳)، پیمان صلح اردن و اسرائیل (۱۹۹۴)، توافق‌نامه طابا یا پیمان اسلو دو (۱۹۹۵)، کمپ دیوید دوم با عنوان نشست «وضعیت نهایی» (۲۰۰۰) (Hertz, 2020: 1-10) و در نهایت کنفرانس آنابولیس (۲۰۰۷) هیچ‌کدام نتوانستند یک صلح واقعی در خاورمیانه را پدید بیاورند. اما شاید مهم‌ترین طرحی که تا به امروز برای حل و فصل این منازعه پیشنهاد شده است، طرح راه‌حل دو دولتی باشد. در این طرح که انتظار می‌رفت از طریق مذاکره و میانجیگری ایالات متحده به نتیجه برسد به دلیل سیاست‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل ناکام ماند. مفاد اصلی این طرح عبارت‌اند از: ۱. اسرائیل باید از تمام کرانه باختری عقب‌نشینی کند و به محاصره نوار غزه پایان دهد. دولت جدید فلسطینی از لحاظ سرزمینی در کرانه باختری تأسیس خواهد شد به شرطی که به‌طور برابر به منابع آبی دسترسی داشته باشند و اتصال زمینی امن بین کرانه باختری و نوار غزه ایجاد شود. اگر توافق شود که اسرائیل بخشی از کرانه باختری را برای خود حفظ کند، دولت فلسطینی باید سرزمینی به همان اندازه و به همان ارزش از سرزمین‌های اشغالی (اسرائیل) به دست بیاورد؛ ۲. طرفین باید درباره مفاد امنیتی که به‌منظور حفاظت در برابر حملات طراحی شده است، توافق کنند. این ترتیبات ممکن است شامل ایستگاه‌های بازرسی، مناطق حائل، محدودیت تسلیحاتی و استقرار نیروهای صلح‌بان بین‌المللی در فلسطین، اسرائیل و یا هر دو باشد؛ ۳. بیت‌المقدس شهری مشترک و آزاد خواهد بود بدین معنا که مناطق یهودی‌نشین تحت حاکمیت اسرائیل و مناطق فلسطینی نشین تحت حاکمیت دولت مستقل فلسطینی خواهد بود. قسمت غربی این شهر پایتخت اسرائیل می‌شود که به‌طور بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود. بیت‌المقدس شرقی هم پایتخت دولت فلسطینی خواهد شد؛ ۴. اماکن مقدس در بیت‌المقدس به صورتی اداره می‌شود که طرفین درباره آن توافق داشته باشند، به‌طور مثال اداره مسجدالاقصی به عهده فلسطینی‌ها خواهد بود و اسرائیلی‌ها اداره دیوار غربی (ندبه) را عهده‌دار خواهند بود؛ ۵. مسئله آوارگان فلسطینی طوری حل خواهد شد که رضایت طرف فلسطینی را فراهم بیاورد و در عین حال به ماهیت یهودی دولت اسرائیل ضربه‌ای وارد نسازد؛ ۶. پس از دستیابی به این توافق، فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها به ادعاهای خود پایان داده و ۲۲ کشور عضو

1. Mediation
2. Negotiation
3. Arbitration
4. Conciliation

اتحادیه عرب (طبق طرح ابتکار صلح عربی) به‌طور رسمی دولت اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند و با آن رابطه برقرار می‌کنند (Boston Study Group on Middle East Peace, 2010: 3-4).

۶- طرح معامله قرن و قدرتهای فرا منطقه‌ای

۶-۱ ایالات متحده

دولت ترامپ تیمی را برای مسائل مرتبط با اسرائیل انتخاب کرد که نشان می‌داد دولت وی نگاه ویژه‌ای به منازعه فلسطین-اسرائیل دارد. «دیوید فریدمن^۱» سفیر ایالات متحده در اسرائیل به شهرک‌سازی‌های اسرائیل در کرانه باختری کمک مالی کرده است و پشتیبان مالی احزاب راست‌گرا در اسرائیل است. وی به‌شدت از احزاب میانه و چپ میانه انتقاد می‌کند و به طرفداران راه‌حل دو دولت لقب «کاپوس» را داده است. سفیر پیشین ایالات متحده در اسرائیل وی را به‌عنوان یک سفیر فوق‌العاده برای یک دولت بزرگ شهرک‌نشین توصیف کرد و راست‌گرایان در اسرائیل بر این باورند که سفارت فریدمن به معنای طرفداری دولت ترامپ از توسعه شهرک‌سازی اسرائیل در کرانه باختری است. همچنین «جیسون داو گرینبلات^۲» نماینده ویژه کاخ سفید در مذاکرات بین‌المللی در این تیم حضور دارد. وی طرفدار راه‌حل دو دولت است اما در عین حال از سیاست شهرک‌سازی اسرائیل دفاع می‌کند. به گفته وی «اگر از بخش احساسی و از بخش تاریخی آن (مذاکره) خارج شوید آن یک معامله بازرگانی است». «جرد کوشنر^۳»، داماد دونالد ترامپ، که رابط کاخ سفید با اسرائیل است تیم دولت ترامپ را کامل کرد (Strategic Comments, 2017).

۶-۲ روسیه

سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه را می‌توان بازتابی از برداشت رهبران فعلی روسیه از منطقه خاورمیانه به حساب آورد. از ابتدای سال ۲۰۰۵، روسیه فعالیت‌های خود را در خاورمیانه به میزان قابل توجهی افزایش داد. بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷، «ولادیمیر پوتین» از مصر، اسرائیل، عربستان سعودی، اردن، قطر، ترکیه، ایران و امارات متحده عربی بازدید کرد. دیدارهای منطقه‌ای پوتین در تضاد با انفعال نسبی سلفش «بوریس یلستین» قرار دارد چرا که او هیچ دیدار رسمی از کشورهای خاورمیانه به عمل نیاورد. پوتین اولین رهبر روسیه است که از اسرائیل و امارات متحده عربی دیدار کرده است (Sladden & Others, 2017: 3). نگرش خاص پوتین به کشورهای خاورمیانه، موجب شده است تا این منطقه جایگاه سابق خود در سیاست خارجی روسیه را دوباره به دست بیاورد. نقش پوتین در سیاست خارجی روسیه چنان عمیق است که می‌توان از «پوتینیزه شدن» سیاست خارجی روسیه یاد کرد (Pushkin, 2016: 8). از سوی دیگر روسیه تلاش کرده است تا روابط خود را نیز با تشکیلات خودگردان گسترش دهد. «محمود عباس» بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰، هشت بار از مسکو بازدید کرده است و پوتین هم دو بار در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۲۰ برای دیدار با او به رام ... رفته است. در

1. David Freedman

2. Jason Greenblatt

3. Jared Kushner

دیدارهای دیپلماتیک بین طرفین توافق‌نامه‌های اقتصادی به امضا رسیده است. همچنین مقامات روسی با رهبران حماس هم دیدارهای متعددی داشته‌اند و در همین راستا در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ تلاش کردند تا میزبان گفتگو بین جنبش فتح و حماس به منظور دستیابی به توافق آشتی باشند.

باین وجود کمک‌های اقتصادی روسیه به فلسطینی‌ها بسیار اندک بوده است به طوری که در سال ۲۰۱۲ حدود یک میلیون دلار و در سال ۲۰۱۸ حدود پنج میلیون دلار بوده است (Wojnarowicz, 2020: 1-2). «والتینا ماتوینکو» رئیس شورای فدراسیون (سنای) روسیه معتقد است که «طرح به اصطلاح «معامله قرن» باید با دقت مورد بررسی قرار بگیرد، ولی مشارکت کامل خود فلسطینی‌ها در تهیه هر نوع برنامه‌ای برای حل و فصل مناقشه فلسطین-اسرائیل ضروری است. مسلماً عدم دخالت فلسطین در تهیه هر برنامه‌ای، روش نادرستی است. همیشه لازم است تا هر دو طرف در تهیه هر سندی مشارکت داشته باشند و درباره آن مذاکره شود. تا جایی که ما می‌دانیم، چنین اقدامی درباره «معامله قرن» آمریکایی صورت نگرفته است» «ماریا زاخارووا»، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، نیز گفت: «ما برای هماهنگی نزدیک با شرکای فلسطینی و اسرائیلی و از جمله، البته کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، شرکت‌کنندگان در گروه چهارجانبه خاورمیانه (میانجی گران بین‌المللی) و همه طرفین علاقه‌مند به دستیابی سریع به صلح پایدار در خاورمیانه، آمادگی داریم. این مناقشه باید از طرف خود فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها زده شود، برای اینکه این مسئله مربوط به آینده آن‌هاست.» (خبر آنلاین، ۱۳۹۸/۳/۱۰). این اظهارات نشان می‌دهد که روسیه تلاش دارد با اتخاذ یک موضع میانه، البته در سطح کلامی و اعلامی، هیچ‌کدام از طرفین فلسطینی و اسرائیلی را از خود دور نسازد. با وجود روابط گسترده بین روسیه و اسرائیل در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی، مقامات روسی سعی کرده‌اند با پشتیبانی از حماس و انتقاد از اسرائیل به سبب حمله به نوار غزه (Freedman, 2010: 54-57) بین روابط خود با فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها یک موازنه منطقی ایجاد کنند. «سرگئی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه، نیز با انتقاد از معامله قرن، خواستار مشارکت سازمان ملل، آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و طرف‌های درگیر در خاورمیانه برای پایان دادن به این منازعه شده است. «آناتولی ویکتوروف»، سفیر روسیه در اسرائیل تأکید کرده است که «معامله قرن فقط یک چشم‌انداز آمریکایی برای حل و فصل مناقشه است. در همین حال مسکو پیشنهاد داد زمینه‌ای برای مذاکرات مستقیم بین رهبران فلسطین و اسرائیل فراهم کند و در تلاش است تا درگیری را حل کند» (خبرگزاری اسپوتنیک، ۲۰۲۰/۲/۱۲).

۳-۶ اتحادیه اروپا

اختلافات داخلی در اتحادیه اروپا سبب شده است که دولت‌های عضو این اتحادیه نتوانند اقدام مؤثری در قبال مسئله فلسطین انجام دهند. به طور مثال هلند و لهستان نشان داده‌اند که کاملاً با اسرائیل متحد هستند، در صورتی که انگلیس، فرانسه و آلمان (تروییکای اروپایی) به اسرائیل فشار می‌آورند که به دیپلماسی اهمیت بیشتری بدهد (هواری، ۲۰۱۸/۱۱/۲۵). باین وجود در سال‌های اخیر اتحادیه اروپا تلاش کرده است با همکاری کمیته چهارجانبه، اتحادیه عرب و طرفین درگیر

راه حل دو دولتی را برای حل و فصل این منازعه پیگیری کند. همین سیاست و نیز انتخاب «جوزف بورل»^۱، به عنوان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، که یک اسرائیل او را سیاستمدار حامی فلسطین به شمار می آورد سبب شده است تا این اتحادیه آشکارا از سیاست های توسعه طلبانه اسرائیل، به طور مثال «لایحه دولت ملت آ» که در آن اسرائیل به عنوان دولت ملت مردم یهود شناخته شد، انتقاد کند (Wermtenbol, 2019).

اتحادیه اروپا ضمن انتقاد از «معامله قرن»، نسبت به تلاش اسرائیل برای الحاق دره اردن به سرزمین های تحت مالکیت خود به شدت ابراز نگرانی کرده است. بورل، با انتشار بیانیه ای در بروکسل تصریح کرد: «ابتکار آمریکایی آن طور که روز ۲۸ ژانویه ارائه شد با معیارهای پذیرفته شده در سطح بین المللی فاصله زیادی دارد. اتحادیه اروپا همچنان پایبند راه حلی مبتنی بر مذاکره و گفتگو (برای مناقشه خاورمیانه) است» (تابناک، ۱۳۹۹/۳/۲۷).

۷- طرح معامله قرن و قدرت های منطقه ای

۱-۷ عربستان سعودی

اقدامات محمد بن سلمان در دو سال گذشته نشان داده است که عربستان بسیار برای پذیرش طرح معامله قرن و شناسایی اسرائیل مشتاق است. سکوت بحث برانگیز عربستان در ماجرای انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به قدس، مصاحبه جنجالی بن سلمان با نشریه آتلانتیک و شناسایی «اسرائیل» و دیدارهای متعدد علنی و غیرعلنی بن سلمان با مقامات اسرائیلی و کوشش داماد ترامپ بخشی از نشانه های نقش آفرینی مستقیم سعودی ها در تحقق معامله قرن است. در همین راستا امارات متحده عربی و عربستان از برگزاری اجلاس اقتصادی بحرین که توسط دولت ترامپ برای پیشبرد طرح معامله قرن برنامه ریزی شده بود، استقبال کردند.

به نظر می رسد کمک های مالی و اقتصادی این دو کشور در جهت بهبود وضعیت اقتصادی فلسطین، می تواند چشم انداز موفقیت این طرح را بیشتر کند (Middle East Eye, 2019). اسرائیل و مقامات فلسطینی به اجلاس بحرین دعوت نشدند، لبنان و عراق دعوت شدند اما از شرکت در آن خودداری کردند. کشورهایی که به اجلاس بحرین دعوت شده و در آن شرکت کردند، شامل کشورهای زیر می شود: چین، مصر، اردن، مراکش، قطر، روسیه، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، انگلیس و اتحادیه اروپا (Carnegie Endowment for International Peace, 2019). سعودی ها امیدوارند که اجرای این طرح سبب تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی شود. به همین دلیل یک دیپلمات سعودی در مصاحبه ای چنین اظهار داشته است که: «این منازعه خونین بیش از اندازه به طول انجامیده است. ایالات متحده، عربستان، کشورهای حاشیه خلیج فارس به همراه مصر و اردن پذیرفته اند که زمان جنگ با اسرائیل پایان یافته است». به عقیده

1. Josep Borrell

2. Nation-State Bill

سعودی‌ها، رهبری فلسطین طرح معامله قرن را که می‌تواند برای آن‌ها ۵۰ میلیارد دلار به ارمغان بیاورد نپذیرفته‌اند که نشان از بی‌مسئولیتی آن‌ها در زمینه بهبود وضعیت اقتصادی دارد (The Jerusalem Post, 2019).

با این وجود باید در نظر داشت که عربستان، در شرایط کنونی با مشکلات اقتصادی داخلی و جنگ یمن روبرو است که برای این کشور میلیاردها دلار هزینه در پی داشته است. از سوی دیگر دولت ترامپ برای اجرای طرح صلح خود امید زیادی به کمک‌های مالی سعودی‌ها دارد. اما در چنین وضعیتی، انتظار از عربستان سعودی برای اجرای ابعاد اقتصادی این طرح چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد (Aljazeera, 2019 (B)). همچنین «دیوید میلر»، مذاکره‌کننده آمریکایی در خصوص مسائل خاورمیانه در دوران ریاست جمهوری دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، بر این عقیده است که این طرح لازم است اما کافی نیست. به باور او اگر آمریکا می‌توانست صلح را از طریق توسعه اقتصادی به خاورمیانه بیاورد این کار را پیش‌از این انجام می‌داد. به عقیده میلر تا زمانی که مشکل تشکیل دولت مستقل فلسطینی/اسرائیلی و نیز مسئله بیت‌المقدس حل نشود، نمی‌توان به حل و فصل این منازعه امید داشت (New York Times, 2019).

۲-۷ ترکیه

ترکیه در سال‌های حکمرانی حزب عدالت و توسعه از قدرت نرم خود برای میانجیگری منازعات منطقه‌ای، بهره گرفته است. ترکیه علاقه‌مند است که به‌عنوان یک بازیگر بی‌طرف دیده شود که در یک دیپلماسی رفت و برگشت مشارکت دارد و از گفتگوی سیاسی برای پایان بخشیدن به چرخه خشونت پشتیبانی می‌کند. این سیاست منطقه‌ای ترکیه سبب شده است تا از «اروپایی شدن» سیاست خارجی ترکیه نام ببرند (Ayaz Avan, 2018: 3).

پیگیری چنین سیاستی موجب شده است که ترکیه مانند ترویکای اروپایی از راه‌حل دو دولت برای حل و فصل منازعه فلسطین و اسرائیل پشتیبانی کند (Hurriyet Daily News, 15/4/2019). همچنین با وجود روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی ترکیه با اسرائیل، ترکیه همواره کوشیده است خود را پشتیبان فلسطین نشان دهد. در همین راستا، «فرحتین التون^۱»، مدیر رسانه‌ای ریاست جمهوری ترکیه و عضو حزب عدالت و توسعه، اشغال فلسطین را غیرقابل توجیه و شهرک‌سازی اسرائیل در کرانه باختری را مغایر حقوق بین‌الملل ارزیابی می‌کند (Hamit, 2019). «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه، طرح «معامله قرن» را تهدیدی برای صلح و ثبات منطقه عنوان کرده و اظهار داشت که اجازه اجرایی شدن این خیال را نخواهیم داد. اردوغان تأکید کرده است که «طرحی را که با نادیده گرفتن کامل فلسطین آن را به اسرائیل ضمیمه کرده و قدس را نیز غصب می‌کند، به رسمیت نمی‌شناسیم. طرحی که با حمایت آمریکا بر اشغالگری اسرائیل مشروعیت می‌دهد پذیرفتنی نیست. در حالی که فلسطین سالهاست که در معرض اشغال، ویرانی و رنج است، اسرائیل به طور ناعادلانه و غیرقانونی به مرزهای فعلی خود دست یافته است. بار دیگر تأکید می‌کنم که قدس خط قرمز ماست» (خبرگزاری آناتولی، ۲۰۲۰/۲/۹).

1. Europeanization

2. Fahrettin Altun

۳-۷ ایران

ایران همواره یکی از پشتیبانان اصلی آرمان آزادی کل فلسطین و نابودی رژیم صهیونیستی بوده است. درخصوص معامله قرن با توجه به عدم رسمیت آن، ایران موضع‌گیری‌های زیادی نداشته است و تنها برخی از مقامات ایران به آن انتقاداتی وارد کرده‌اند. با این وجود، آیت الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب درباره این طرح چنین فرموده‌اند: «اکنون آمریکایی‌ها نام سیاست شیطانی خود درباره فلسطین را «معامله قرن» گذاشته‌اند اما بدانند که به فضل الهی، این معامله قرن هرگز محقق نخواهد شد و به کوری چشم دولتمردان امریکا، قضیه فلسطین از یادها نخواهد رفت و قدس پایتخت فلسطین باقی خواهد ماند» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷/۴/۲۵). در حالیکه خود فلسطینی‌ها طرح معامله قرن را به طور کامل رد کرده‌اند، دلیلی وجود ندارد که ایران، با وجود تحریم‌های شدید و تجربه حمایت ایالات متحده از عراق در طول جنگ ایران و عراق، این طرح صلح را قبول کند (Independent, 8 January 2020). حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، نیز چنین پیش‌بینی کرده است که این طرح با موفقیت همراه نخواهد شد: «معامله قرن قطعاً به ورشکستگی قرن تبدیل شده و به نتیجه نمی‌رسد» (خبرآنلاین، ۱۳۹۸/۳/۱۰).

۴-۷ اسرائیل

در صورت اجرای معامله قرن، اسرائیل بزرگترین برنده این طرح صلح خواهد بود. فارغ از این که طرح مذکور به طور کامل منافع اسرائیل را در نظر گرفته است، آمریکا در زمان ترامپ اقداماتی را انجام داده است که کاملاً در راستای منافع اسرائیل بوده است: ۱. انتقال سفارت آمریکابه بیت المقدس؛ ۲. شناسایی بلندی‌های جولان به عنوان اراضی اسرائیلی؛ ۳. قطع همه کمک‌های آمریکا به فلسطینیها؛ ۴. تعطیلی دفتر سازمان آزادی بخش فلسطین در واشنگتن (Carnegie Endowment for International Peace, 2019). همچنین اجرای معامله قرن این فرصت را برای اسرائیل به وجود می‌آورد تا تلاش‌های چندین ساله خود برای برقراری رابطه دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج فارس را دوچندان کرده و ایجاد چنین روابطی را در آینده نزدیک تضمین نماید.

۸- نتیجه‌گیری

بررسی طرح معامله قرن و مواضع بازیگران تأثیرگذار در کنار موانع تحقق آن، این‌گونه به نظر می‌رسد که این طرح با چالش‌های جدی روبروست. عدم توجه به دلایل اصلی این منازعه یکی از بزرگترین مشکلات این طرح است به طوری سعی شده است تنها به منافع اسرائیل در این زمینه توجه شود. به طور مثال در این طرح مسئله آوارگان فلسطینی کاملاً نادیده گرفته شده است و الحاق ۳۰ درصد از کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی پیش‌بینی شده است. این موضوع در معامله قرن درحالی گنجانده شده است که به طور کامل با قطعنامه‌های شورای امنیت و دیدگاه‌های اروپایی‌ها و کشورهای عربی در تضاد است. بدیهی است که چنین طرحی نه تنها از سوی حماس و جهاد اسلامی، بلکه از سوی جنبش فتح و تشکیلات خودگردان نیز رد خواهد شد. مخالفان این طرح استدلال می‌کنند که ایالات متحده نمی‌تواند با توزیع پول صلح را ایجاد کند و مهم‌تر آن‌که، جامعه فلسطینی حاضر نیست در ازای دریافت پول از حقوق خود چشم‌پوشی کند. همچنین

قدرت‌های خارجی درباره مفاد این طرح با یکدیگر اختلاف نظر شدید دارند. در حالی که اتحادیه اروپا از راه حل دو دولت پشتیبانی می‌کند، روسیه موضعی مبهم در پیش گرفته است و ایالات متحده کاملاً از مواضع اسرائیل دفاع می‌کند. علاوه بر این، قدرت‌های منطقه‌ای نیز موضع یکسانی در قبال معامله قرن اتخاذ نکرده‌اند. در این زمینه حمایت صریح بحرین، امارات و عمان، حمایت ضمنی عربستان، قطر و مصر، و مخالفت ایران، ترکیه و عراق اجرایی شدن این طرح را با پیچیدگی‌های فراوانی روبرو کرده است. در نهایت این که برخلاف دوره‌های گذشته مذاکرات صلح، معامله قرن تقریباً به شیوه‌های حل منازعه بی‌اعتنا بوده است به طوری که حتی به اصل مذاکره در این طرح پرداخته نشده است و ایالات متحده با پشتیبانی بی‌قید و شرط از اسرائیل کاملاً نقش میانجیگری خود را از دست داده است. با این وجود اگر اسرائیل و آمریکا بر اجرای یکجانبه این طرح اصرار بورزند، سیاست‌های ایالات متحده بیش از پیش در نزد افکار عمومی جهان عرب و اسلام نامعتبر شده و بنابراین باید در انتظار تنش‌های گسترده سیاسی و نظامی در خاورمیانه باشند.

به نظر می‌رسد برای رفع نارسایی‌های متعدد طرح معامله قرن، باید طرحی در دستور کار قرار بگیرد که تشکیل دولت مستقل فلسطینی یکی از مفاد اصلی آن باشد. البته در طرح راه‌حل دو دولت، تشکیل دولت مستقل فلسطینی پیش‌بینی شده بود، اما آن طرح نواقص زیادی داشت. از آنجایی که هر طرحی برای موفقیت باید خواست‌های دو طرف اصلی منازعه و نیز بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را شامل شود، طرح پیشنهادی نویسندگان این مقاله بر این اصول پایه‌گذاری شده است: ۱. تشکیل دولت مستقل فلسطینی که حداقل نوار غزه و کرانه باختری را در برگیرد؛ ۲. بیت‌المقدس پایتخت دولت فلسطینی باشد؛ ۳. شهرک‌های صهیونیستی در کرانه باختری به طور کامل جمع‌آوری شود؛ ۴. دولت فلسطینی از لحاظ سیاسی، اقتصادی و امنیتی از اسرائیل استقلال کامل داشته باشد به طوری که از حقوق کامل یک کشور مستقل برخوردار باشد؛ ۵. عضویت دولت مستقل فلسطینی در سازمان ملل تضمین شود.

منابع

- احمدی، حمید، (۱۳۸۹)، «طرح های صلح خاورمیانه، ماهیت، اهداف و فرجام»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفدهم، شماره ۱، بهار، صص ۹-۳۶.
- تابناک، واکنش وزرای خارجه اتحادیه اروپا به «معامله قرن»، ۱۳۹۹/۳/۲۷، قابل دسترسی در:
Tabnak.ir/0048Cj
- جودکی، حسین، فلاحی، سیف الدین، علی، (۱۳۹۷)، تشریح محورهای منازعه بین فلسطین و اسرائیل، مجله بین المللی پژوهش ملل، دوره چهارم، شماره ۳۹، زمستان.
- خبرگزاری آنتولی، اردوغان: طرح به اصطلاح «معامله قرن» خیالی بیش نیست، ۲۰۲۰/۲/۹، قابل دسترسی در:
<https://www.aa.com.tr/fa/1728660>
- خبرگزاری اسپوتنیک، موانع معامله قرن از دید روسیه، ۲۰۲۰/۲/۱۲، قابل دسترسی در:
<https://sptnkne.ws/BuFs>
- خبر آنلاین، روس ها به «معامله قرن» ترامپ چه واکنشی نشان دادند؟، ۱۳۹۸ ۱۱/۱۱، قابل دسترسی در:
khabaronline.ir/news/1347605
- خبرآنلاین، نه بلند چهره‌های سیاسی و نظامی ایران به معامله قرن، ۱۳۹۸/۳/۱۰، قابل دسترسی در:
<https://www.khabaronline.ir/news/1265494/>
- خبرگزاری فارس، «سیاست شیطانی «معامله قرن» هرگز محقق نمی‌شود/ کمیته حقیقت‌یاب فاجعه منا تشکیل شود»، ۱۳۹۷/۴/۲۵، قابل دسترسی در:
<https://www.farsnews.com/news/13970425000550>
- دهقانی، محمود (۱۳۸۵)، «چشم انداز صلح خاورمیانه و تحولات اخیر در اسرائیل و فلسطین»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۹، بهار، صص ۹۷-۱۱۲
- ربیعی، حسین، جان‌پرور، محسن، (۱۳۹۰)، «بازنمایی مدل تحلیلی برای حل و فصل اختلاف‌ها و منازعات سرزمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، شماره مسلسل ۵۴.
- سیمبر، رضا، اعجازی، احسان، (۱۳۹۴)، «رویکرد آمریکا به کشمکش فلسطین - اسرائیل (۲۰۰۱-۲۰۱۵)»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۷-۳۸.
- مجتهدزاده، پیروز، ربیعی، حسین (۱۳۸۸)، «بررسی الگوهای حل و فصل منازعات و ارائه مدل بهینه حل منازعات سرزمینی»، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان.
- عرب ۴۸، فلسطین تاریخی: ۶/۶ میلیون فلسطینی و ۶/۷۸ میلیون یهودی، ۲۰۱۹/۱۲/۳۱، قابل دسترسی در:
<https://www.arab48.com>
- یارا هواری، الاتحاد الأوروبي والقدس: إمكانية مقاومة، شبکه السياسات الفلسطینیة، ۲۰۱۸/۱۱/۲۵، قابل دسترسی در:
<https://al-shabaka.org/briefs>

Amnesty International, November 29 (2017), **The Occupation of Water**, June 24, 2020, <https://www.amnesty.org/en/latest/campaigns/2017/11/the-occupation-of-water/>

Aljazeera (2020), **The Failed Deals of the Century**, June 27, 2020, <https://interactive.aljazeera.com/aje/2020/the-failed-deals-of-the-century/index.html>.

Aljazeera, 29 June (2019) (A), **who will pay for Trump's \$50bn 'deal of the century' June24**, 2020, Access in: <https://www.aljazeera.com/programmes/countingthecost/2019/06/pay-trump-50bn-deal-century-190628115748264.html>.

Aljazeera, 29 June (2019)(B), **The 'deal of the century' as a deliberate deception**, June 25, 2020, Access in: <https://www.aljazeera.com/indepth/opinion/deal-century-deliberate-deception-190628144450709.html>.

Aljazeera, September 11 (2019), **What are areas A, B, and C of the occupied West Bank?**, June 23, 2020, <https://www.aljazeera.com/news/2019/09/areas-occupied-west-bank-190911093801859.html>.

Asia Times, 22 June (2019), **Deal of the Century existential threat to Jordan**, June 20, 2020, Access in: <https://www.asiatimes.com/2019/06/article/deal-of-the-century-existential-threat-to-jordan/>

Atlantic Council, June 28 (2019), **Israel's problematic role in perpetuating water insecurity for Palestine**, June 23, 2020, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/israel-s-problematic-role-in-perpetuating-water-insecurity-for-palestine/>

Ayaz Avan, Esengül (2018) "Europeanization of Turkey's Foreign Policy: The Case of Turkey's Mediation in the Israel–Palestine Conflict", *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, Volume 21, Issue 6, pp. 678-695.

Azar, Edward E., Burton, John W. (1986). *International Conflict Resolution: Theory and Practice*, Basingstoke: Macmillan.

Boston Study Group (2010), **ISRAEL and PALESTINE: Two States for Two Peoples, If Not Now, When?** June 23, 2020, Access in: http://www.fpa.org/usr_doc/Israel_and_Palestine_Two_States_for_Two_Peoples_2010.pdf.

B'Tselem, January 19 (2019). **Settlements**, June 23, 2020, <https://www.btselem.org/settlements>.

Carnegie Endowment for International Peace, 24 June (2019), **Trump's Middle East Peace Plan Is in the Works. What Does the Region Think?**, June24, 2020, Access in:

<https://carnegieendowment.org/2019/06/24/trump-s-middle-east-peace-plan-is-in-works.-what-does-region-think-pub-79365>.

Erdogan, Ayfer, Habash, Lourdes (2020), **U.S. Policy toward the Israeli-Palestinian Conflict under the Trump Administration**, Insight Turkey, Vol. 22, No. 1, winter, pp. 125-146.

Feith, Douglas J., Libby, Lewis (2020), **How the Trump Plan Makes Peace Possible**, Middle East Quarterly, Fall.

Freedman, Robert O (2010), “Russia, Israel and the Arab-Israeli Conflict: The Putin Years”, *Middle East Policy*, Volume 17, Issue 3, pp. 51-63.

Hamit, Dilara (2019), **Turkey: Occupation of Palestine will not be justified**, Anadolu Agency, June 28, 2020, <https://www.aa.com.tr/en/turkey/turkey-occupation-of-palestine-will-not-be-justified/1651258>.

Hass, Richard (2020), **Trump’s Middle East Mirage**, Council of Foreign Relations, February 11, <https://www.cfr.org/article/trumps-middle-east-mirage>

Hertz, Eli E. (2020). “Arab-Israeli Peace Agreements”, *Myths and Facts*, June 24, 2020, www.mythsandfacts.org › user › PLO-Agreement.

Hurriyet Daily News, **2 states only solution in Mideast: Turkish diplomat**, April 15, 2019, <https://www.hurriyetdailynews.com/2-states-only-solution-in-mideast-turkish-diplomat-142662>.

Independent, 8 January (2020), **Iran doesn't want Trump's 'deal of the century' — and its revenge tactics go far beyond official warfare**, June 24, 2020, Access in: <https://www.independent.co.uk/voices/iran-trump-speech-revenge-soleimani-nuclear-deal-a9276066.html>.

Middle East Eye, 21 May (2019), **UAE and Saudi Arabia back Trump's 'deal of the century' economic conference**, June 24, 2020, Access in: <https://www.middleeasteye.net/news/uae-backs-trump-administrations-deal-century-economic-conference>.

Middle East Monitor, 24 June (2019), **\$9 billion for Egypt in return for deal of the century**, June 23, 2020, Access in: <https://www.middleeastmonitor.com/20190624-9-billion-for-egypt-in-return-for-deal-of-the-century/>

Morocco World News, 6 December (2019), **Deal of the Century – Implications for Jordanian Identity and Sovereignty**, June 23, 2020, Access in: <https://www.moroccoworldnews.com/2019/12/288351/dea-century-jordanian-identity-sovereignty/>

New York Times, 19 May (2019), **Trump to Open Middle East Peace Drive with Economic Incentives**, June 24, 2020, Access in: <https://www.nytimes.com/2019/05/19/us/politics/trump-middle-east-peace-plan.html>.

New York Times, December 6 (2017), **Trump Recognizes Jerusalem as Israel's Capital and Orders U.S. Embassy to Move**, June 24, 2020, <https://www.nytimes.com/2017/12/06/world/middleeast/trump-jerusalem-israel-capital.html>.

Podeh, Elie (2014), "Israel and the Arab Peace Initiative, 2002-2014: A Plausible Missed –Opportunity", *Middle East Journal*, Vol. 68, No. 4, pp. 584-603.

Pushkin, Alexander (2016), "The Domestic Context of Russian Foreign Policy", in Lo, Bobo, *Russia and the New World Disorder*, Washington: Brookings.

Sladden, James, Wasser, Becca, Connable, Ben, & Grand-Clement, Sarah (2017) **Russian Strategy in the Middle East**, Washington: Rand.

Strategic Comments (2017). "US–Israel relations under Trump", *Strategic Comments*, 23:2, viii-x.

The Jerusalem Post, 22 June (2019), **Saudi official says 'Deal of Century' leads to full Palestinian Statehood**, June 20, 2020, Access in: <https://www.jpost.com/Israel-News/Saudi-official-says-Deal-of-Century-leads-to-full-Palestinian-statehood-593306>.

The Ruet Institute, November 11 (2011), **UN Resolutions 242 and 338**, June 24, 2020, <http://www.reut-institute.org/en/Publication.aspx?PublicationId=541>.

UNRWA (2020), **Palestine Refugees**, June 24, 2020, <https://www.unrwa.org/palestine-refugees>.

Wermenbol, Grace (2019), **The EU and the Israeli-Palestinian Peace Process in a Post-Mogherini Era**, Carnegie Endowment for International Peace, June 29, 2020, <https://carnegieendowment.org/sada/79985>.

White House (2020), **Peace to Prosperity**, June 10, 2020, <https://www.whitehouse.gov/peacetoprosperity/>

Wojnarowicz, Michal (2020). "Palestine in Russia's Foreign Policy", *Bulletin*, NO. 97 (1527), pp. 1-2.

Investigating the causes of the failure of the Century Deal to make peace

Ehsan Ejazi^۱, Mehdi Lakzi^۲

Received:2020/10/26

Accepted:2021/03/10

Abstract

The Trump administration has promised to end the Israeli-Palestinian conflict in the Middle East by implementing the Deal of Century. Given the lack of acceptance of this plan, not only by the Palestinians but also by the United States, the main question of this research is: to what extent implementation of Deal of Century can be successful? The hypothesis of this study is as follows: due to lack of attention to the real roots of the conflict, special attention to Israeli interests, disregard for Palestinian rights, drafting a plan without negotiating with the Palestinian side, the inability of the United States to implement some provisions of the plan, the opposition of the Arab League and the European Union, this plan is not feasible and if some of its provisions are implemented unilaterally, it will only increase tensions in the Middle East. The authors have used the model of "resolving territorial disputes" to analyze the probability of success of this project using analytical and descriptive methods. Finally, the authors conclude that to achieve peace in the Middle East, an alternative plan must be considered that would ensure the establishment of an independent Palestinian state in the West Bank and Gaza Strip.

Keywords: Israeli-Palestinian Conflict, Middle East, Conflict Resolution, Deal of Century, Arab Countries

^۱. Ph.D. Student in International Relations, University of Guilan, Guest Researcher, Middle East Studies Center, Guilan, Iran (Corresponding Author) *ehsanejazi95@gmail.com*

^۲. Ph.D. Student in Political Science, IRA Issues, Central Tehran Azad University, Guest Researcher, Middle East Studies Center, Tehran, Iran